

درباره کمک‌های کوچکی که دل‌های بسیاری را شاد می‌کند

شب‌های روشن همدلی

احمد کاظمی–در ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر، چه چیزی می‌تواند بهترین هدیه به خدا در راه به دست آوردن رضایتش باشد؟ بهترین راه خوشحال کردن خدایی که می‌خواهیم بهترین‌ها را در شب قدر بر ایمان مقدر کند، چیست؟ پیامبر مهر و رحمت در این باره می‌گوید: «هر که دل مومنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و هر که مرا شاد کند، خدا را شاد کرده است.» شاد کردن دل بندگان خدا؛ چیزی که با خواندن پرونده امروز، متوجه می‌شویم چندان سخت و دور هم نیست. فقط همت می‌خواهد و انگیزه. کاری که بسیاری از آدم‌های دور و برمان، متواضعانه و بی هیچ چشم‌داشتی، چه در ایام عادی سال و چه در روزهای ماه مبارک رمضان، بی‌اینکه منتظر نهاد و سازمان‌های دولتی بمانند، مشغول انجامش هستند. کمک به

محرومان جامعه، کمک به خانواده‌های کم بضاعت، کمک‌های کوچک و مداومی که دل‌هایی را شاد و گرهی از گره‌های زندگی هم‌وطنانمان را باز می‌کند. پرونده امروز ما، در شب شهادت امیرمُلك‌جان، الگوی دلسوزی و دلجویی از محرومین و نیازمندان، حضرت علی(ع) یک پیام دارد: «برای کار خیر و کمک کردن به هم‌نوع، نباید منتظر کسی ماند». باید باعلی گفت و آغاز کرد. مهم نیست که دست‌ها یمان به ظاهر خالی است، مهم این است که دل‌هایمان گرم و امیدوار است و می‌توانیم با فکر و برنامه ریزی و همدلی و همکاری و کمک گرفتن از ظرفیت‌های دور و بر مثل

جمع‌های فAMILی یا شبکه‌های اجتماعی مجازی، فرصتی به دست آوریم برای خدمت به خلق، برای کمک به دوست و همسایه، برای شاد کردن دل یک مومن و خانواده اش. پرونده امروز، معرفی و شرح فعالیت یک گروه جمع و جور دانشجویی است که آستین‌ها را بالا زده اند و با کمترین امکانات، قدم‌های بزرگ برداشتند به اضافه یک راهنمای جمع و جور برای شروع یک کار خیر ساده. با ما همراه باشید.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه روزنامه خراسان

پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۶

۲۰ رمضان ۱۴۳۸ هـ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۷

۷۸۳



آشنایی با هیئت دانشجویی آل یاسین که تمرکزشان بر فعالیت‌های خیریه است

دانشجویان نیکوکار با مرام علی‌وار

اکرم انتصاری–اسم هیئت‌شان را گذاشته‌اند «آل یاسین»؛ یک گروه خودجوش مردمی که توسط چند دانشجوی دانشگاه پیام نور شکل گرفت و کارش را با یک فعالیت جمع و جور خیریه در حد توزیع چند بسته غذایی بین محرومان در سحرهای ماه مبارک رمضان ۱۶ سال پیش، شروع کرد. طر‌حی که بعد از دانش آموختگی این دانشجویها هم ادامه پیدا کرد و حالا، هم هیئت در سازمان تبلیغات اسلامی ثبت شده و هم آن بسته‌های کوچک خوراکی، جایش را به ۲۱۰ سبد آذوقه داده که با همکاری ۱۵۰ نیروی انسانی تهیه و سحرهای شب‌های قدر، به خانواده‌های کم‌بضاعت سپرده می‌شود. مبنای طرح مرام حضرت علی(ع) و کمک‌های علی‌وار است. کمک به خانواده‌های کم بضاعت در عین حفظ کرامت و آبروی هر خانواده. به این ترتیب که گروه‌های شناسایی به مناطق محروم می‌روند، از معتمدان محله می‌خواهند خانواده‌های آبرودار و نیازمند را معرفی کنند و با حساسیت زیادی نسبت به حفظ شان و حرمت آن خانواده، وضعیتشان را بررسی می‌کنند. در

قدم بعد، خانواده‌ها بعد از تایید، به فهرست گروه اضافه می‌شوند و در نهایت، سبدهای غذایی براساس تعداد اعضای خانواده، نیمه شب‌های ماه مبارک رمضان، زمانی که در محله عبور و مروی نباشد، جلوی در خانه نیازمندان گذاشته می‌شود. منتها فعالیت‌های خیریه این هیئت دانشجویی، به توزیع سبد ارزاق محدود نمی‌شود؛ یکی دیگر از برنامه‌های پر‌رحمت اما پر‌خیر و برکت این گروه، جشن شب میلاد امام حسن(ع) است. آن‌ها هر سال در شب نیمه ماه رمضان، به یکی از روستاهای محروم اطراف مشهد که از قبل شناسایی شده است می‌روند، برای اهالی روستا سفره افطار پهن می‌کنند، جشن می‌گیرند و برای کودکان مسابقه با جایزه‌های نفیس برگزار می‌کنند. آن‌ها به تازگی اردوهای جهادی را هم به فعالیت‌هایشان اضافه کرده‌اند؛ به این ترتیب که به شکل گروهی در دوره‌های ۳روزه به روستاهای محروم می‌روند و برای کودکان و نوجوانان هر روستا، کلاس‌های آموزشی و فرهنگی برپا می‌کنند؛ گروهی که نه از طرف نهاد و سازمانی حمایت می‌شود و نه توقع مالی دارد. اعضای این

هیئت، فقط فعالیت‌هایشان را در دانشگاه، محل کار و میان فامیل، به شکل چهره‌به‌چهره تبلیغ می‌کنند و به شکل غیرمستقیم، دور و بری‌ها را به مشارکت در کمک به محرومان تشویق می‌کنند و البته تا اینجا، با استقبال گرم مردم رو به رو بودند، طوری که به گفته خودشان گاهی آنقدر کمک مردمی زیاد می‌شود که توزیع سبدها، از سه شب، به ده شب می‌رسد. حالا و بعد از ۱۶ سال، تعداد زیادی جوان نیکوکار به آن جمع اولیه اضافه شده است؛ بچه‌ها به این باور موم‌مند که کافی است هر کسی یک بار اتفاق علی‌وار را تجربه کند تا مجذوب این فضا شود. فضا، فضای بی‌ریایی است که انرژی مثبت و امید شگفت‌انگیزی در آن جریان دارد. جمع جوانانی که منتظر کسی یا چیزی یا معجزه‌ای نمانده اند و کار خیر را با احساس مسئولیت و پول‌های توجیبی شان شروع کرده اند و این روزها، خوشحال‌اند بابت آن شروع و این تداوم. ما شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، چند ساعتی را در جمع بچه‌های آل یاسین گذراندیم و شاهد فعالیت‌هایشان بودیم.

راهنمای تهیه

یک بسته آذوقه برای کمک فقط با ۵۰هزار تومان!

نعیمه مونسی–ماه رمضان می‌تواند شروعی باشد برای انجام کارهای خوب. کارهای خیری که در توانمان است اما یا به فکرش نبوده ایم یا برایش برنامه‌ریزی نداشته ایم. ترتیب دادن دوره‌می‌های افطاری با حضور دوستان و فامیل و همسایه‌ها، آشتی دادن دو نفری که با هم فح‌رند، مطالعه بیشتر، اهدای خون و از همه مهم‌تر توجه به حال خانواده‌های کم بضاعتی که اطرافمان، در فامیل و محله سراغ داریم و تدارک کمک‌های مادی، چه به شکل وجه و چه به شکل آذوقه و ارزاق برای آن‌ها. کمک‌هایی که اگر با فکر و برنامه ریزی انجام شود، می‌تواند بعد از ماه مبارک رمضان و طول سال هم ادامه پیدا کند و خانواده‌های بیشتری را شامل شود. اگر دارید مثل بیشتر آدم‌ها، به این فکر می‌کنید که با درآمدهای پایین و حقوق و دریافتی تق و لق این روزها، چطور می‌شود کار خیر کرد، این مطلب راهنمای جمع و جوری است برای تهیه یک بسته موادغذایی، فقط با ۵۰ هزار تومان. خودمانیم! در زندگی بیشتر ما، ۵۰ هزار تومان، هزینه یک وعده فست‌فود است و خرج کر‌دش برای کمک به یک خانواده، به لحاظ مادی به جایی برنمی‌خورد اما به لحاظ معنوی، دلگرمی بزرگی است.

اگر از قیمت‌های سوپرمارکتی مایحتاج روزمره زندگی خبر داشته باشید، ممکن است باتعجب بپرسید: فقط ۵۰ هزار تومان؟ مگر می‌شود؟ بله می‌شود. به چند شرط: اول اینکه موادی را که هم به شکل بسته‌بندی و هم به شکل کیلویی در بازار موجود است، به شکل فله و نه به شکل بسته‌بندی تهیه کنید. مواد فله‌ای، به دلیل کسر شدن هزینه‌های بسته‌بندی همیشه ارزان‌تر است.

دوم اینکه مواد فله‌ای را از بازارهای مرکزی شهر تهیه کنید؛ چرا که در این بازارها تعداد مغازه‌هایی که یک جنس را عرضه می‌کنند زیاد است و به دلیل نزدیکی به مراکز تولید و راقبتی بودن قیمت‌ها، معمولاً جنس‌ها را با قیمت مناسب تری عرضه می‌کنند.

سوم اینکه قبل از شروع به کار، تصمیم‌تان را با دوستان و دور و بری‌ها در میان بگذارید تا از کمک‌های مادی و معنوی آن‌ها هم، مثل کمک در بسته‌بندی مواد بهره‌مندشوید.

ما در مشورت با مامان‌ها و مامان بزرگ‌ها، به این جمع بندی رسیدیم که خوراکی‌های ضروری هر خانواده، حداقل با ۵۰ هزار تومان، این‌هاست: برنج، روغن مایع، سویا، ماکارونی، رب گوجه‌فرنگی، عدس، خرم‌پنیر. شاید بشود فهرست‌های دیگری هم تهیه کرد اما این فهرست پیشنهادی ماست. راهی یکی از بازارهای شهر می‌شویم تا قیمت به روز این اقلام را دربیاوریم. این روزها هر کیلو برنج پاکستانی درجه یک ۶۲۰۰ تومان است و اگر بخواهیم برای هر بسته، حداقل ۵ کیلو برنج قرار دهیم، ۳۱ هزار تومان از بودجه‌مان مصرف می‌شود. به همین ترتیب روغن مایع ۱۳۰۰، ماکارونی ۱۸۰۰، رب گوجه‌فرنگی ۲۸۰۰، خرما ۵۰۰۰ تومان، و یک قالب پنیر ساده ۳۳۰۰ تومان است که در مجموع می‌شود ۱۴ هزار و ۲۰۰ تومان. سویا کیلویی ۳۲۰۰ و عدس کیلویی ۶۵۰۰ تومان است که برای صرفه جویی و تنوع دادن به بسته، از هر کدام نیم کیلو می‌گذاریم؛ این هم یک بسته ۵۰ هزار تومانی. البته شاید وقتی این فهرست را تهیه می‌کنیم، به این نتیجه برسیم که جای خیلی چیزها در بسته مان خالی است: چای، قند، شکر، عسل، نمک و... که می‌توان با افزایش هزینه تا ۲۵ هزار تومان در بسته قرارشان داد. نذرتان قبول و سعی تان ماجور.



■ بگذار که دل حل کند این مسئله‌ها را

پای صحبت بچه‌های هیئت که می‌نشینم: زن و مرد، جوان و میانسال، شاغل و تحصیل کرده و بچه‌دار، این طور دستگیرم می‌شود که هرکسی یک سال با هیئت همراه بوده، اینجا ماندگار شده است. یکی ۱۶ سال، یکی ۷سال و دیگری ۲ سال. یکی از محل کارش می‌آید ودیگری از خانه‌اش با دختری که از کودکی همراه هیئت بوده است و حالا روزه اولی شده. جالب اینجاست که دختری که شاید در خانه خودشان دست به سیاه و سفید نزنند اینجا ظرف می‌شوید. پسری که عزیز دردانه مادرش است اینجا همه‌جا را جارو می‌کشد، از خواب شیش می‌زند، با یک ماشینش را پر می‌کند و تا سحر با گروه‌های توزیع از این طرف شهر به آن طرف شهر می‌رود و شاید برای خوردن سحری، فقط پنج دقیقه زمان بگذارد. به هر حال تنها چیزی که می‌تواند یک تنه جواب همه این مسئله‌ها را بدهد، عشق است. جوانانی که انگار به دنبال راحت کردن خيال امام‌شان هستند که: دست کم در این شب‌ها، محرومی سر گرسنه به زمین نمی‌گذارد!

ساعت نزدیک پنج و نیم بعد از ظهر است. آفتاب بی‌امان همه جا خیمه زده. طبق معمول این روزهایم، برای همه کسانی که در این گرما مجبورند به خاطر کار و خدمت، زیر تیغ آفتاب رفت و آمد کنند، آرزوی سلامتی می‌کنم. دارالقرآن یاسین، میعادگاه بچه‌های آل یاسین، حوالی میدان راهنمایی است. در باز است و حیاط بزرگی پیش رویم. چند جوان، یکی دو فرش لوله شده روی شانه‌شان را حمل می‌کنند و



■ همه مشغول کارند. بی‌منت و با عشق

کمی که می‌گذرد، جمع خانم‌ها جمع می‌شود و آقایان کیسه‌ها و اقلام غذایی را برای تفکیک و بسته بندی به زیرزمین آورده اند. یکی از خانم‌ها که سرپرست جمع است روی تخته وایت‌برد با ماژیک، تعداد اقلام هر سبد غذایی را می‌نویسد: برنج ۱۰ کیلو، روغن ۳ لیتر، قند ۲ کیلو و... کار شروع و مواد وزن و سپس بسته بندی می‌شود. پوشش خانم‌ها متفاوت است اما حرف دلشان یکی است. صمیمی‌اند و با اسم کوچک یکدیگر را صدا می‌کنند. کارها روان و ساده پیش می‌رود. نگاه کسی به ساعت نیست، انگار نه انگار روزه دارند. حدود ساعت هفت و نیم است که بسته‌بندی سبدهای غذایی تمام می‌شود و بچه‌ها تازه به خودشان می‌آیند که وقت افطار است. چای آماده می‌شود و سفره را پهن می‌کنند. سفره‌های ساده و صمیمی که رنگ‌ولعایش به برق رضایتی است که در چشم‌هایشان پیداست. سفره ساده است: یک استکان چای و خرما، نان و پنیر و سبزی و یک ظرف سوپ. صدای اذان می‌آید. مشغول نماز می‌شویم و بعد هم افطار.



■ ای کاش که نان‌آور سفره‌های خالی باشیم

سر سفره، صحبت از اتفاق خوبی است که خبرش در گروه تلگرامی هیئت پیچیده؛ از شب ولادت امام حسن مجتبی(ع) در روستایی محروم. ماجرا از این قرار است که بچه‌های هیئت در تدارک افطار روستا بودند.داند. پسر بچه‌ای اهل همان روستا از بچه‌های هیئت می‌خواهد دو بطری آب سرد به او بدهند تا به خانه‌شان ببرد و بعد می‌گوید که یخچال ندارند و کمتر پیش می‌آید بتوانند آب سرد بنوشند. بچه‌ها که از این جریان متأثر می‌شوند، جریان را در گروه تلگرامی هیئت اطلاع رسانی می‌کنند. دو روز بعد یک نیکوکار خیردار می‌شود و برای خانواده آن پسر یک دستگاه یخچال فریزر می‌خرد و راهی روستا می‌شود. ماجرای جعبه‌های زولبیای سبدهای غذایی هم جالب است؛ چند سال پیش زمانی که گروه توزیع، سبد غذایی را پشت در یکی از خانه‌های مورد نظر می‌گذارند، خانواده سبد غذایی را باز می‌کنند و اعضای گروه توزیع که پشت دیوار خانه پنهان شده بودند، صدای کودکی را می‌شنوند که از دیدن زولبیا ذوق کرده است و می‌گوید: «بالاخره می‌توانم زولبیا بخورم». این جریان آنقدر یکی از خیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد که چند سال است پای ثابت تأمین جعبه زولبیای سبدهای غذایی شده، هر تعداد و هر قدر که نیاز باشد. اینجا حکم، حکم دل است و حساب و کتابی اگر باشد معامله‌ای در سر سود است. هم دلت راضی است و هم خدایت.